



خشونت رفتاری بسیاری از ما را احاطه کرده است

متاسفانه در جامعه ما خشونت رفتاری بسیاری از جوانان، فرزندان و بزرگسالان ما را احاطه کرده است.

«متاسفانه در جامعه ما خشونت رفتاری بسیاری از جوانان، فرزندان و بزرگسالان ما را احاطه کرده است. وقتی به فیلم های خشونت آمیزی که این روزها در شبکه مجازی منتشر می شود و بازی های رایانه ای نگاه می کنیم درصد قابل توجهی از آنها دارای صحنه های خشونت آفرین و خشن هستند. همچنین از اسباب بازی های موجود در جامعه می توان نتیجه گرفت که بیش از ۸۵ درصد از این اسباب بازی ها شمشیر و خنجر و انواع تفنگ ها و تیرکمان ها هستند.»

به گزارش ایسنا، روزنامه اعتماد در گفت و گو با یک آسیب شناس به افزایش خشم و پرخاشگری در جامعه پرداخت و نوشت: «در حال حاضر هر جا سرمان را می چرخانیم فیلم ها و صحنه هایی که دارای خشونت هستند را می بینیم. دیدن چنین فیلم ها و صحنه هایی در آینده ای نه چندان دور آسیب های اجتماعی فراوانی را از خود به جای خواهد گذاشت. کودکی که در جامعه فقط خشم و پرخاشگری را شاهد است در آینده چگونه شخصیتی پیدا خواهد کرد؟ ملاحظه خشونت و درگیری در فیلم هایی که در شبکه های مجازی دست به دست می شود افراد را به سمت افسردگی یا خودکشی سوق می دهد. خشونت، پدیده هولناکی است که موجب سلب امنیت و آسایش زندگی بشر می شود. از خفیف ترین جرایم که علیه اموال صورت می گیرد تا شدیدترین جنایاتی که علیه جسم و حیات انسان ارتکاب می یابد همه از مصادیق خشونت هستند. در تعریف کلی از خشونت می توان گفت که خشونت از اقدام علیه جسم و جان، شرف، مال و حقوق افراد به طوری که ایجاد ترس کند را شامل می شود.

خشونت رفتاری قابل انتقاد در جامعه

«مجید ابهری»، آسیب شناس و رفتارشناس اجتماعی، درخصوص خشونت می گوید که به طور ناخودآگاه در جامعه در حال وقوع است، به «اعتماد» می گوید: «خشونت یکی از واکنش های اصلی رفتاری است که مبنای آن خشم و پرخاشگری است. با توجه به مشخصات و ویژگی های روحی، روانی، اجتماعی و فرهنگی فرد خشونت به پا خاسته از وجود رفتار او آثار و عواقب متعدد و مختلفی به جای می گذارد. خشونت رفتاری قابل انتقاد در جامعه است. یعنی ای بسا فرزندان ما با دیدن خشونت کلامی بین والدین یا مشاهده خشونت بین افراد در خیابان و اماکن دیگر به سمت این رفتار ناپسند کشیده شده و این وضعیت آزاردهنده در رفتار و روان آنها نهادینه می شود. در حال حاضر درگیری های فیزیکی، ضرب و جرح و قتل آمار قابل توجهی در مراجعان به پزشکی قانونی و قوه قضاییه و نیروی انتظامی دارد، چرا این گونه است؟ بسیاری از افرادی که دست شان به خون دیگران آغشته شده و موجب بسته شدن دفتر حیات انسان دیگری شدند، نه قاتل به دنیا آمده بودند و نه در فطرت آنها قتل و کشتار وجود داشته است اما خشم و خشونت باعث شده که در یک لحظه با یک اتفاق ساده فرد تبدیل به قاتل شده و خود او نیز دفتر حیاتش بسته شود. از تقابل رفتاری و درگیری های لفظی تا درگیری های فیزیکی از آثار خشم و خشونت در روابط فردی و اجتماعی به حساب می آید. بیشتر درگیری های فیزیکی ریشه در خشونت های بین فردی داشته و گاه اتفاق می افتد که به خاطر یک جای پارک یا نگاه کردن یا برخورد بسیار ساده و مختصر بین دو فرد درگیری فیزیکی به وجود می آید و چه بسا به قتل و ضرب و جرح شدید منجر می شود.

متاسفانه در جامعه ما خشونت رفتاری بسیاری از جوانان، فرزندان و بزرگسالان ما را احاطه کرده است. وقتی به فیلم های خشونت آمیزی که این روزها در شبکه مجازی منتشر می شود و بازی های رایانه ای نگاه می کنیم درصد قابل توجهی از آنها دارای صحنه های خشونت آفرین و خشن هستند. همچنین از اسباب بازی های موجود در جامعه می توان نتیجه گرفت که بیش از ۸۵ درصد از این اسباب بازی ها شمشیر و خنجر و انواع تفنگ ها و تیرکمان ها هستند.

رفتارشناسان دلایل خلق خشونت در جامعه را به دو گروه تقسیم می کنند که این دو گروه اصلی عبارتند از: دلایل محیطی و اقتصادی؛ مانند گرانی، تورم، مشکلات شغلی و حرفه ای، بیکاری و مشکلات کاریابی و همچنین بالا رفتن قیمت ها به طور لحظه ای که موجب آزار اکثریت شاغلان در جامعه مخصوصا بازنشستگان و حقوق بگیران می شود. در خانواده ها مهارت کنترل خشم یا مدیریت هیجان های رفتاری به فرزندان آموخته نمی شود. در مدارس ای کاش به جای دروس بی اثر و بی فایده به فرزندان ما در سطوح مختلف ابتدایی، متوسطه و دانشگاه مهارت های کنترل رفتار و مدیریت هیجانی رفتاری آموخته شود. فرو خوردن خشم رفتاری بسیار انسانی است و امیرالمومنین فرمودند که بهره‌یید از خشم که آغاز جنون و پائینش پشیمانی است و به درستی نیز از نظر علمی و رفتارشناسی این فرمایش کاملاً منطبق با واقعیت انسانی و رفتاری است. خشونت با خشم شروع می شود و با پشیمانی ناشی از رفتارهای نادرست سرزده از انسان پایان می یابد.

گروه دوم از دلایل علاوه بر گرانی ساعتی و فقر اقتصادی مشکلات رفتاری است؛ سر و صدا، آلودگی های صوتی، آلودگی های تنفسی، تراکم انسانی در خانه های کوچک یا در خانه هایی که سه یا چهار خانوار در کنار یکدیگر به طور اشتراکی زندگی می کنند دیگر راهی برای نشاط و شادابی نمی ماند.»

رسانه ها می توانند در کاهش خشونت جایگاه ویژه و موثری داشته باشند

ابهری در ادامه توضیح می دهد: «از طرف دیگر گران بودن ابزار نشاط در جامعه یکی دیگر از دلایل بروز خشونت است. یعنی وقتی فردی بخواهد خانواده خود را به سینما، تئاتر یا پارک برود کلی هزینه می شود و برای یک فردی که حقوق کافی ندارد، در این گونه حرکات یعنی مسافرت های تفریحی یا گردش و سیاحت به طور غیرممکن بروز می یابد، بنابراین باعث خستگی روحی یا رفتاری و بروز تقابل های رفتاری می شود. بیکاری یا درآمد پایین تر از استاندارد زندگی، خود یکی از دلایل به وجود آمدن پرخاشگری در انسان ها است. وقتی دولت اعلام می کند سقف حقوق برای درآمد شایسته در جامعه ۱۸ میلیون تومان است و کمتر از این زیر خط فقر قرار می گیرد در نتیجه اگر دقت کنیم چند درصد از افراد جامعه ما کمتر از این مقدار حقوق می گیرند؟ آنهایی که حتی توان تهیه ضروری ترین اقلام مورد نیاز خود و خانواده شان مثل گوشت، مرغ، لبنیات و میوه جات تازه را ندارند هم از نظر تغذیه دچار ضعف و کمبود ویتامین های لازم می شوند و هم شرمندگی خانواده آنها را در مسیر پرخاشگری و خشونت می کشاند.

خستگی های ناشی از کارهای مضاعف برای افراد کم درآمد مثل کارهای نوبت دوم و سوم خود یکی از دلایل پرخاشگری و خشونت است، چراکه نه فرزندان و همسر مرد خانواده را می بینند و در کنار او هستند و نه مرد خانواده به طور کامل در کنار همسر و فرزندان است. این خلأ عاطفی موجب بروز مشکلاتی مانند تقابل های رفتاری زناشویی، کاهش روابط زناشویی و طلاق های عاطفی و طلاق های واقعی می شود. مدت زمان زیادی نیست که از قتل یک دختر به وسیله پدرش یا از بریدن سر یک همسر توسط شوهرش و به دست گرفتن سر بریده او و گردش در خیابان می گذرد در این مدت کوتاه باید جامعه شناسان، رفتارشناسان و روانشناسان به فکر این بودند که چرا خشونت به این درجه رفتاری در جامعه رسیده است. رسانه ها می توانند در چاره جویی و کاهش خشونت در جامعه جایگاه ویژه و موثری داشته باشند. با ارائه برنامه های نشاط آور و طنزهای فاخر می توانند فتنه خشونت را پایین کشیده و خشم و پرخاشگری را در جامعه کاهش دهند. افزایش نشاط اجتماعی و حمایت سازمان ها و نهادهای مربوطه از خانواده های دارای فرزند برای رشد و شادابی و نشاط در خانواده ها و ورزش های دسته جمعی و گروهی، سفرها و بازدیدهای خانوادگی می تواند تا حد قابل توجهی موجب کاهش تنش های رفتاری و افسردگی در جامعه شود و همین دلیل باعث می شود خشونت در این راستا کاهش یافته و تنش های رفتاری و تقابل های رفتاری نیز به موازات آن کاهش یابد. رسانه ها باید از اخبار خشونت آفرین مانند قتل، جنگ و جدال و زد و خورد تا حد امکان خودداری کرده یا آنها را به طور رقیق به اطلاع جامعه برسانند. از انتشار این اخبار چه فایده و اثری در جامعه به وجود می آید! غیر از ایجاد وحشت و انتقال تنش های رفتاری البته انتشار و بیان اخبار در جامعه ضرورت دارد اما اینکه در هر تصادف چقدر کشته می شوند یا در یک نزاع و درگیری چه آثاری به وجود آمده غیر از انتقال موج خبرهای تلخ هیچ سود و تاثیر مثبتی نخواهد داشت.

از لحاظ رفتاری معتقد هستم گروه دیگری نیز وجود دارد و آن بارش و ریزش اخبار تلخ و آزاردهنده در جامعه است. افرادی که هیچ گونه ارتباطی با سکه یا دلار ندارند ولی دائم به وسیله اخبار رسانه ها زیر بمباران افزایش قیمت سکه و دلار هستند. همین تنش های عصبی باعث بالا رفتن خشونت در آنها می شود. فردی که اصلاً نه با دلار سر و کار دارد نه با سکه ولی همین قدر که می بیند ساعت به ساعت قیمت آنها تغییر می کند یا وقتی برای خرید به مغازه ای می رود قیمتی را که امروز در حال خرید است با دیروز تفاوت چشمگیر پیدا کرده همین تنش های رفتاری محدودبودن یا فقدان نشاط اجتماعی باعث بروز خشونت و خشم و پرخاشگری در جامعه می شود.»